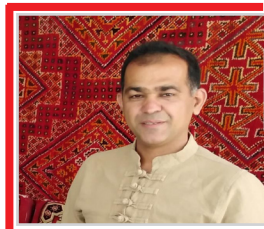


«سیاق» خطی که صفر و اشتباه ندارد



*مجتبی گهستونی

خط «سیاق» نوعی از خط و روش نگارش است که با آن اهل دفتر و دیوان، اعداد، مقادیر و اوزان را می‌نوشتند. این خط در حسابداری قدیمی و ثبت و ضبط ارقام و اعداد محاسبات دیوانی و شخصی تا پایان دوره قاجار رواج داشت و تمامی امور محاسبات دولتی و شخصی با آن نوشته می‌شد.

نام این خط از واژه عربی «سیاق» به معنی ترتیب گرفته شده است و شکل بسیاری از علائم مورد استفاده در این خط نیز مبتنی بر شکل نوشتن اعداد به زبان عربی است. این شکل‌ها احتمالاً در دوران خلافت هشام بن عبدالملک اموی حدود ۱۰۵ تا ۱۲۵ هجری قمری برای جایگزین کردن سیستمی که مبتنی بر سیستم حسابداری ساسانیان بوده ابداع شده است. عده‌ای نیز بر این عقیده‌اند که این خط در زمان سلجوقیان وارد جهان اسلام شده و رواج پیدا کرده است. محمدرضا محمدی زاده از آخرین نسل از استادان این خط است که

در شهر شوشتر از توابع خوزستان زندگی می‌کند. خط سیاق بی‌شک قبل از دوره صفویه در کشور ایران رواج داشته و به نگارش عدد و رقم معاملات تجاری و همچنین نوشتن مبلغی که مد نظر تاجر بوده مربوط می‌شود.

میزان اشتباه در این خط هنگام حسابرسی بسیار کم بوده و شاید بشود گفت اصلاً وجود ندارد؛ به طور مثال در اعداد و ارقام حسابرسی امروز با اندکی اشتباه و افزودن یک عدد تمامی مبالغ کم و زیاد می‌شود در صورتی که در حسابرسی و نوشتن با خط سیاق این اشتباهات به دلیل روش نگارش صحیح از بین می‌رود. حسابرسی با خط سیاق در گذشته از یک «قمری» تا «میلیاردها» حسابرسی و نوشته می‌شد و امروز تعداد اندکی از نسل این تاجر که به خط سیاق تسلط دارند زنده‌اند و در شوشتر محمدرضا محمدی‌زاده به عنوان آخرین نسل از استادان این هنر به این خط محاسباتی - تاریخی تسلط است.

محمدرضا محمدی‌زاده از دوران جوانی تاکنون برای معاملات تجاری در مغازه‌اش از این خط استفاده کرده و الا ن نیز تنها فردی است که از این خط برای حسابرسی‌هایش استفاده می‌کند. این خط در بسیاری از مناطق منسوخ شده و تنها در برخی از شهرستان‌ها مانند اصفهان کسبه‌های سالخورده هنوز

از این خط در حسابرسی‌های‌شان استفاده می‌کنند. خط سیاق برخلاف عدد نویسی فارسی که از چپ آغاز می‌شود عدد نویسی این خط از راست نوشته می‌شود. این خط تصویری از ۵۴ شکل تشکیل شده و اگر این اشکال را بشناسی به طور کامل خط سیاق را یاد می‌گیری و اعداد این خط برای حسابرسی صفر ندارد و هنگام استفاده از این خط در حسابرسی‌ها کمتر دچار اشتباه می‌شوید.

افراد زیادی جهت آموزش این خط پیش جناب محمدرضا محمدی‌زاده می‌آیند و درخواست یادگیری خط سیاق را دارند. این استاد گرانقدر امیدوار است که با فراگیری این خط فراموش شده و تاریخی برای همیشه و نسل به نسل در کشور حفظ شود.

همچنین سرپرست اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شوشتر از برگزاری دوره آموزشی یک‌روزه خط تخصصی سیاق در خانه مستوفی شوشتر شوشتر خبر داد.

دساوود نجار آسیابانی نهم دی‌ماه گفت: اداره میراث فرهنگی شوشتر در راستای حفظ و ترویج فرهنگ، علوم و فنون پیشین و در ادامه فعالیت‌های فرهنگی ذاتی خود، به برگزاری دوره آموزشی خط سیاق در خانه تاریخی مستوفی اقدام کرد. سرپرست اداره میراث فرهنگی،

صنعت بافندگی در شوشتر سرآمد هنر بافندگی در ایران، اما برخی رشته‌های بافندگی در این شهر در حال فراموشی است؛

روزگار سپری‌شده «دیبافی»

«دیبای شوشتر» بود.

محله «دیبافون»

بافندگی در شوشتر سابقه طولانی دارد و هنوز یکی از مهمترین هنرهای دستی و سنتی شهرستان شوشتر است. یکی از همین هنرهای دستی خاص شوشتر یا به عبارتی شاخص‌ترین آن «دیبافی» است که روزگار پر رونق آن به سال ۱۲۴۷ هجری قمری (همزمان با سلطنت فتحعلی‌شاه قاجار) برمی‌گردد. در آن زمان «دیبای شوشتری» توسط بازرگانان به‌عنوان هدیه یا کالای ارزشمند به دورترین نقاط ارسال می‌شد. به رسم گذشته که هر صنعتی در اختیار یک خانواده بود، در شوشتر هم روال جریان داشت. مدیر انجمن گردشگری شوشتر به «پیام ما» می‌گوید: «معمولاً نام فامیلی مناسب با همین حرفه و شغل انتخاب می‌شد، مثل نجار. دیبافی هم در اختیار یک خاندان در شوشتر بود که زیر و بم این هنر را می‌دانستند و بین خودشان رواج داشت.»

هنوز هم یکی از محله‌های شوشتر به نام محله «دیبافان» در ضلع غربی بافت تاریخی شوشتر وجود دارد که نشان می‌دهد هنرمندان «دیبافی» چیره‌دست روزگاری در این محله زندگی می‌کرده‌اند.

به گفته «فوزیه محمدرضایی» فوت‌وفن «دیبافی» در سینه هنرمندان ماندگار می‌شد و هر چه شده. هنوز هم یکی از محله‌های شوشتر به نام محله «دیبافان» یا به گویش محلی «دیبافون» در ضلع

غربی بافت تاریخی شوشتر وجود دارد که نشان می‌دهد هنرمندان «دیبافی» چیره‌دست روزگاری در این محله زندگی می‌کرده‌اند.

اما اینکه چطور «دیبافی» به یکباره از رونق افتاد و بعد از آن کمابیش در شوشتر استمرار یافت، روایتی دارد که به گفته یکی از کارشناسان صنایع دستی، در شوشتر به شیوع طاعون در خوزستان و شهرهای اطراف برمی‌گردد. «علی محمد چهارمحالی» به «پیام ما» می‌گوید: «حدود ۲ قرن پیش، طاعون حدود ۲۰ هزار نفر از خوزستان و شهرهای اطراف، قربانی گرفت. در این جریان، خاندانی که به هنر دیبافی تسلط داشتند و همگی دستی در این هنر داشتند از دنیا رفتند.»

از آنجا که هنر در این خاندان موروثی بود و طبق باور گذشته برای اینکه با آموزش هر حرفه، رقیب زیاد می‌شود و نباید ریزه‌کاری‌ها به بیرون از خاندان درز کند، «دیبافی» شوشتر رو به افول رفت و تا امروز از «دیبای شوشتری» که روزگاری ردای خانه کعبه بود، چیزی باقی نمانده است.

به گفته «چهارمحالی» بعد از آن رویداد تلخ، شوشتری‌ها هر چه تلاش کردند، نتوانستند نخ به آن ظرافت و لطافت تولید کنند و دیبایی به آن سبک و سیاق بیافند. یک کارشناس صنایع دستی: نمونه نخ‌ی از دیبافی در زمان قدیم به یادگار مانده که برای تحقیق و بررسی به دانشگاه صنعتی اصفهان فرستاده شده است. شده است.

راز دیبای شوشتر

براساس گفته بزرگان شوشتر، گیاهی به‌نام «استبرق» یا به زبان محلی «قلیلب» در حاشیه رودخانه در شوشتر می‌روید. البته این گیاه در اکثر مناطق گرم‌وخشک پیدا می‌شود. در قدیم از شیر این رخت برای درمان جذام، زخم و درمان بیماری‌های کبدی استفاده می‌شد. الیاف موجود در میوه «استبرق» نیز برای «دیبافی» استفاده می‌شد، اما اینکه چگونه از این الیاف برای تهیه نخ بسیار ظریف استفاده می‌کردند، تمام راز و رمز «دیبافی» شوشتر بوده است. حدود دو سال پیش فرآیند تولید نخ دیبا به‌همت یک جوان علاقمند شوشتری بررسی شد تا این هنر احیا شود. سبک‌بودن، رنگ‌پذیری و ضدآب بودن از ویژگی‌های شاخص پارچه دیبای شوشتر است.

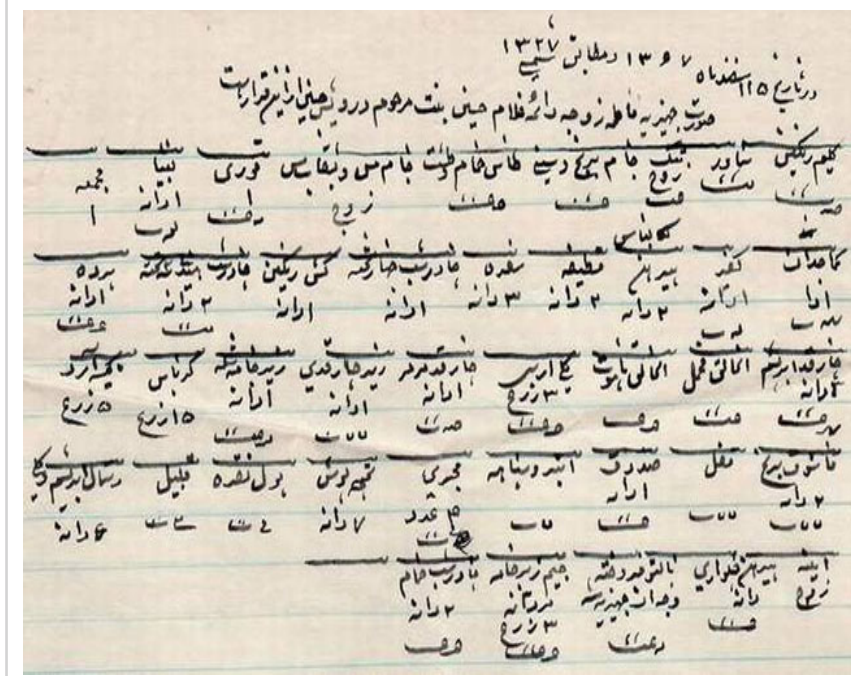
چشم‌انتظار احیای «دیبافی»

علی محمد چهارمحالی، کارشناس صنایع دستی، می‌گوید: «نمونه نخ‌ی از دیبافی در زمان قدیم به یادگار مانده که برای تحقیق و بررسی به دانشگاه صنعتی اصفهان فرستاده شده است» نتایج تحقیقات روشن می‌کند فرآیند تولید نخ از الیاف گیاه «استبرق» و نیز رنگ‌رزی و قوام رنگ بر روی گیاه چگونه بوده است تا بتوان «دیبافی» را به‌رسم گذشته انجام داد و این هنر را احیا کرد. همان‌طور که شوشتر شهر ملی «حرامی‌بافی» شناخته شده است، مسئولان میراث فرهنگی شهرستان شوشتر در تلاش‌اند تا «دیبای شوشتری» را نیز به ثبت ملی برسانند.

به‌دنبال احیای کارگاه‌های «ملحفه‌بافی» در شوشتر به‌عنوان یکی از صنایع دستی کهن این سرزمین، هنرمندان چشم‌انتظارند تا

نمی‌شد و به همین دلیل فعالان اقتصادی در گذشته همواره در یادگیری این خط اهتمام می‌ورزیدند.

نجار آسیابانی تصریح کرد: این شیوه نگارش و محاسبه داد و ستدهای تجاری، جزئی از علوم قابل تدریس در مکاتب علم‌آموزی گذشته بوده که در سال ۱۳۰۷ با دستور حکومتی از ردیف مطالب آموزشی حذف و اعداد ریاضی به‌عنوان تنها شیوه‌های نگارش جایگزین این روش قدیمی شد. او با اشاره به تدریس این دوره توسط حاج محمدرضا محمدی‌زاده گفت:



پارچه دیباست. «میرزا عبداللطیف شوشتری» سفرنامه‌نویس ایرانی دوره قاجار می‌نویسد: «دیبا پارچه‌ای بود که از حریر خالص به‌مراتب نرم‌تر و بهتر آن را به زر و سیم و نقوش بدیعه دلکش می‌بافتند و در آن زمان مخصوص دستار ملوک و سلاطین بود.» «دیبای شوشتر»، منسوجی ابریشمین و زربفت بوده است که بافت آن از روزگار شاپور دوم ساسانی، با مهاجرت بافندگان سوری به ایران، در شهر شوشتر توسعه یافت و پس از اسلام نیز با حمایت خلفا و حاکمان ایرانی تا قرن‌ها کاربرد داشته است. جنس ظریف و کاربرد الیاف زر و سیم، دیبا را به‌صورت منسوجی درخشان و گرانبها از دیگر پارچه‌ها ممتاز و متمایز ساخته بود. منابع مکتوب بر بافت تصاویر انسانی و گیاهی بر «دیبای شوشتری» اشاره دارند. رنگ آن نیز اغلب ارغوانی یا سبز بوده، تارهای داخلی جفتی (مزدوج) از ویژگی‌های دیبای شوشتر بوده و طرح سرره (کچ راه) با تکرار نخ‌های پود دسو در میان، قابلیت نقش‌پذیری آنها را افزایش می‌داده است.

اتفاق خوبی برای رونق دوباره و بر سر زبان‌ها افتادن «دیبافی» در شوشتر نیز رخ دهد.

دیبای شوشتر در آینه تاریخ

در منطقه خوزستان دست‌کم از دوره عیلامیان کارگاه‌های بافندگی دایر بوده است. مهاجرت اهالی روم و همچنین حضور اسیران رومی در این منطقه را نیز می‌توان از عوامل گسترش نساجی در خوزستان دانست. مورخان مسلمان نیز به استقرار اسیران در خوزستان اشاره کردند: «شاپور بن اردشیر با رومیان جنگ کرد و قریب سیصد ایرانی را اسیر گرفت و آن‌ها را به شهر شاپور در فارس و دو شهر جندی‌شاپور و شوشتر در خوزستان آورد.»

دیبای شوشتر به اعتقاد «احمد اقتداری» در کتاب دیار شهریاران، بازمانده فعالیت رومیان در شوشتر بعد از ساخت بناهای آبی که به دستور شاپور ساسانی انجام شده است. چون عده‌ای از رومیان در ایران ماندند، شرط ماندن آنها نداشتن زمین و اشتغال به کارهای صنعتی بود که یکی از این کارها بافت